



سخنرانی در دیدار با مسؤولان دفاتر نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - 7 / بهمن / 1368

بسم الله الرحمن الرحيم

از زیارت آقایان عزیز خیلی خوشحالم. این دیدار، همیشه برای من مایه‌ی مسرت بوده است. آقایان مسؤول دفاتر نمایندگی حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) هرگاه در آن زمان تشریف می‌آوردند و ما آنها را زیارت می‌کردیم، از مشاهده‌ی این هیاکل علم و عمل و انسانهایی که صرفاً به پیمودن راه علم و دین اکتفا نکردند، بلکه در طریق عمل، آن هم عملی بسیار حساس و مهم و تعیین کننده قدم برداشتند و بحمدالله تا حدود زیادی هم موفق بودند، همیشه احساس خوشوقتی و مسرت می‌کردیم. الان هم همان طور است. لازم است که من از همه‌ی آقایان مسؤول در این کار عظیم و از کسانی که با شما کار می‌کنند، تشکر کنم.

مسئله برای دفتر و حوزه‌ی نمایندگی در سپاه، دو بخش دارد که باید با هم مخلوط نشود: یک بخش، وظایف عادی و معمولی این تشکیلات است؛ یعنی به‌طور طبیعی دفاتر یا حوزه‌ی نمایندگی، چه شرح وظایفی دارد که این امر مهمی است. بخش دیگر این است که چون نمایندگی رهبری در نیروهای مسلح، نمایندگی فرماندهی است و در حقیقت چون رهبر، فرمانده هم است و جریان ویژه‌ی میان نیروهای مسلح و فرماندهی کل آن نیروها برقرار می‌باشد، بنابراین می‌تواند به حیث ارتباط با فرماندهی، مأموریت‌هایی را به حسب اقتضای شرایط - غیر از آن مأموریت اصلی - داشته باشد. مثلاً در مواردی ممکن است فرماندهی کل مصلحت بداند ارتباط حفاظتها یا مواردی از این قبیل را - که مربوط به فرماندهی کل است - به دفتر و حوزه‌ی نمایندگی بدهد؛ لیکن اینها وظایف طبیعی و عادی نیست، بلکه وظایف فوق‌العاده و ویژه است که در درجه‌ی دوم اهمیت قرار دارد. آنچه که در درجه‌ی اول اهمیت قرار دارد، مسؤولیت اولی است که همان مأموریت عادی این حوزه‌ی نمایندگی را تشکیل می‌دهد.

به عنوان مقدمه، مطلبی را که برای آقایان واضح است، مجدداً تکرار می‌کنم و آن این است که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، یک نیروی نظامی است که بقا و سلامت او، با بقا و سلامت نظام ارتباط نزدیکی دارد. یعنی اگر این نیرو سالم و قوی باقی بماند - به حسب موازین عادی - نگرانی‌یی در مورد انقلاب و سلامت و بقای آن باقی نخواهد ماند؛ زیرا وقتی چنین نیروی نظامی مؤمن و مخلص و فداکار و کاملاً با دید انقلابی و دارای نیروی عظیمی - مانند بسیج - در کشور وجود دارد، دیگر تهدیدی از نوع تهدیدهای نظامی، حقیقتاً برای انقلاب نگران کننده نیست.

تهدیدهای اخلاقی و معنوی، بحث دیگری دارد که بایستی دستگاه‌های دیگر، متصدی و متکفل مقابله با آن شوند. اگر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، عارف و عامل به وظیفه‌ی اسلامی باشد، این خصوصیات را داراست و اگر عارف و عامل به وظیفه‌ی اسلامی نبود، این شأن و خصوصیات را نخواهد داشت. آنچه که در سپاه مهم است، این است که دارای معرفت دینی باشد تا اشتباه نکند و فریب نخورد. کافی هم نیست که فقط فرماندهان معرفت دینی داشته باشند. چون اصولاً بافت ارتش اسلامی این طور است و از آن جا که سپاه، یک ارتش اسلامی است که از خود اسلام و انقلاب جوشیده، باید چنین ویژگی را دارا باشد.

این طور نیست که بگوییم فرمانده، خوب و مورد اعتماد باشد، بدنه‌ی سپاه هر چه بود، بود. نباید وضعیت مثل خوانین و حکام سابق باشد که به کشور یا استان یا شهری می‌رفتند و بعد همه‌ی امور آن شهر یا منطقه را به آنها محول می‌کردند و دیگر کاری به کار بدنه‌ی مردم نداشتند. وضعیت در افواج نظامی نیز همین طور بود. یک فوج یا واحد نظامی را به دست یک نفر می‌سپردند و دیگر کاری به کار او نداشتند و نمی‌پرسیدند که این فوج، چه چیزهایی نیاز دارد یا چگونه عمل می‌کند یا چگونه اداره و تغذیه می‌شود! خیر و شر این گونه واحدهای نظامی، با یک نفر بود و از او مسؤولیت می‌خواستند.

در ارتش اسلامی، اصلاً بحث این گونه نیست. هر چند فرمانده مسؤولیت‌هایی خیلی بالایی دارد، اما یکایک بدنه، برای



مسئولان نظام و کسانی که در کل بار سنگین مسئولیت را بر دوش دارند، دارای مسئولیتند. بنابراین، همه‌ی بدنه بایستی دارای معرفت دینی باشد.

مطلب دوم درباره‌ی تقواست. یکایک برادران سپاه باید تدین و تقوا - یعنی همان طهارت و عمل به موازین دینی - را دارا باشند. این، همان مسئولیت اصلی - یعنی علم و عمل و معرفت و آگاهی دینی - است. البته، معرفت و آگاهی دینی، شامل مسایل سیاسی هم می‌شود و منظور فقط نماز و روزه و امثال اینها نیست. دشمن‌شناسی و دوست‌شناسی و جریان‌شناسی و قدرت تحلیل مسایل سیاسی، جزو همان بخش معرفت دینی و عمل است. این، وظیفه‌ی اصلی نمایندگی است و از بالا تا پایین سپاه، باید در این جریان حضور داشته باشند. البته، این جریان زیر امر فرماندهی هم نیست و اصولاً فرماندهی سپاه و حوزه‌ی نمایندگی، موازی نیستند؛ اگر چه موظف و مأمور به همکاری و کمک و تأیید او می‌باشد.

دستگاه نمایندگی، به هیچ وجه نباید به‌عنوان یک جریان معارض یا مزاحم و اخلاص‌کننده در امر فرماندهی به شمار آید. این، واقعاً یک ملاک است. اگر در واحد نظامی، فرماندهی اختلال پیدا کرد و دچار تزلزل شد، هیچ امیدی به آن مجموعه‌ی نظامی نیست.

اصولاً یگان نظامی، غیر از یک عده افراد است. لشکر به معنای عامش - یعنی یک مجموعه‌ی نظامی - معنایی غیر از معنای صد نفر، پانصد نفر یا دو هزار نفر دارد؛ زیرا ممکن است دو هزار نفر باشند، اما یک لشکر نباشند؛ چون ماهیت لشکر به چند چیز دیگر - غیر از افراد - نیز قوام دارد که اهم آنها سازماندهی و مدیریت واحد نظامی است که اساساً از لحاظ محتوا، با مدیریتهای غیرنظامی متفاوت است. بنابراین، لشکر اگر سازماندهی نداشته، لشکر نیست و اگر ده برابر آن هم آدم باشند، ارزش نظامی ندارد؛ زیرا مثل این است که مسلح نباشند. یا مثل این است که اصلاً کسی نباشد. اگر سازماندهی بود، اما در آن بالا فرماندهی قرار نداشت، باز هم فایده‌ی ندارد. معنای نبودن فرمانده، این نیست که جسم فرمانده نباشد. فرمانده اگر خودش بود، اما اختیارات فرماندهی نداشت یا قدرت و عرضه‌ی فرماندهی نداشت، دیگر فرمانده نیست. پس، یکی از معیارهای اصولی ما این است که اختلالی از ناحیه‌ی حوزه‌ی نمایندگی در کار فرماندهی به‌وجود نیاید.

از طرفی، چون کار علم و عمل و حفظ جهت در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، یک امر عنصری و در واقع دمیدن روح در کالبد است و انجام این کار مهم را حوزه‌های نمایندگی عهده دارند، لذا از طرف فرماندهی نیز نباید خللی در این امر صورت بگیرد. بنابراین، حوزه‌ی کار این دو، با یکدیگر متفاوت است؛ ولی باید دقت کرد که از بالا تا پایین‌ترین رده‌های سپاه - چه رده‌های عملیاتی و چه اداری - حضور نمایندگی رهبری کاملاً محسوس باشد و تمام یگانها و خطوط جبهه و پشت جبهه و قرارگاهها، آن را احساس کنند. این موضوع، حتی ممکن است از طریق حضور اشخاص و یا صدور دستورالعملها محقق شود.

وجود حوزه‌ی نمایندگی باید حس شود؛ زیرا به نظر من مسأله‌ی حوزه‌ی نمایندگی، مسأله‌ی بسیار مهمی است. به یاد دارم که سه، چهار سال قبل از این، وقتی برادران دفاتر نمایندگی را در جمع مسئولان بالا زیارت می‌کردیم، من همواره در مقابل اعتراض به بعضی از نابسامانیهایی که در گوشه و کنار وجود داشت، توصیه می‌کردم که اصل قضیه، دفاتر نمایندگی امام است که با حضور یک عده روحانی آشنا به مسئولیت و دارای معرفت و روحیه‌ی انقلابی و خستگی‌ناپذیر و پرامید در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تشکل یافته است. اگر در مجموعه‌ی سپاه، این مهم تأمین شد، به‌نظر ما هیچ مشکل دیگری، مشکل اصلی نیست و قابل حل شدن است. بنابراین، مسئولیت فوق‌العاده مهمی بر عهده دارید.

امروز هم شما خوب می‌دانید که ما باید آماده باشیم. واقعاً نیروهای نظامی ما نمی‌توانند نسبت به مسایل جبهه‌ها بی‌تفاوت بمانند. باید آمادگی کامل باشد. حضور ارتش و سپاه باید قوی باشد. ان شاء الله با کمک شما آقایان



وتدابیری که می‌اندیشید، این مهم تأمین شود و آمادگیها از همه جهت وجود داشته باشد. ما باید این نکته را در نظر بگیریم که هر کسی وارد سپاه شد، در زیر شعاع تربیت و اراده‌ی معنوی شما، روزبه‌روز کمالات معنویش بیشتر شود و پیشرفت کند. نباید هیچ افت روحی و معنوی در سپاه مشاهده شود. برادران! با قرآن و حدیث و مفاهیم اسلامی آشنا بشوید و قدرت درک ذهنی خود را بالا ببرید و از لحاظ عملی، واقعا مراقب و مواظب و اهل عبادات و فرایض و نوافل و صفا باشید. همان‌گونه که در ذهنیت عمومی خود ما و مردم از سپاه، این موارد وجود داشته، الان هم تا حدود زیادی همین نکات وجود دارد. در نظر خیلی از مردم، سپاه واقعا يك عنصر مقدس تلقی می‌شود. این برداشت را واقعا باید ما تحقق ببخشیم و عمومیت بدهیم و از آنچه که تاکنون وجود داشته، ان شاء الله بیشترش کنیم.

ما آقایان را دعا می‌کنیم و وظیفه‌ی خود می‌دانیم که هر جا لازم باشد، بدون دریغ حمایت و تأیید هم بکنیم؛ چون کار را حقیقتا کار مهمی می‌دانیم. ان شاء الله خداوند آقایان را موفق و مؤید بدارد.

والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته